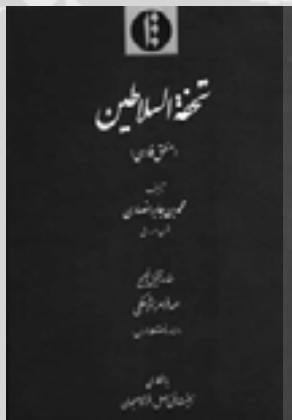


مقدمه مصحح:

مصحح در ابتدای کتاب مقدمه‌ای مختصر افزوده است. آنچه که به مطالب مقدمه غنا بخشیده است، ارائه مختصری از مَطُول تاریخ منطق اسلامی است. دوری از نگارش به سبک داستانی و دست گذاشتن بر روی نقاط مهم تاریخ منطق باعث شده است تا علاوه بر عدم ملال‌انگیزی و دلکش شدن مطالب، بتواند به خواننده خویش دیدی کلی جهت تحلیل مطالب تاریخی در منطق دهد. مصحح پس از بیان تاریخ منطق به نگارش سطوری در باره زندگی مصنف کتاب می‌پردازد. از جمله مطالبی که خواننده در این بخش از مقدمه با آن برخورد خواهد کرد، اقدامات محمدبن جابر انصاری چون تأسیس مدرسه نوریّه و کلاتتری شهر شیراز و . . . است. دیگر مطلبی که در این قسمت جالب توجه است رفت و آمد وی با علامه مجلسی است. پس از این زندگی‌نامه کوتاه که شایسته بود قدری طولانی‌تر برگزار می‌شد و بیشتر به زوایای زندگی وی می‌پرداخت، مصحح وارد معرفی و ارائه یک تحلیل کلی از کتاب می‌شود. آنچه که مصحح در این بخش آن را ابتدا وجه همت خود قرار داده، بیان نظام منطق‌نگاری انصاری در این کتاب است.



اثری فارسی در منطق‌نگاری تلیقی گزارش رونمایی از کتاب تحفة السلاطین

تحفة السلاطین دوره کاملی از علم منطق به زبان فارسی است. توضیح روشن و متمایز مفاهیم، تقریر دقیق مسائل، گزارش آراء مهم منطق‌دانان پیشین و تحلیل دیدگاه مؤلف از ویژگی‌های این اثر است. نویسنده آگاهانه کتاب را در نظام منطق‌نگاری تلیقی (نه بخشی و دو بخشی) سامان داده است. انتشار کتاب تحفة السلاطین به قلم محمدبن جابر انصاری گامی در احیای میراث مکتوب ایران اسلامی در دانش منطق است که با همکاری دانشکده الهیات دانشگاه تهران مورد تصحیح و بررسی قرار گرفت. در نشستی که در دانشکده الهیات برگزار شد، ضمن رونمایی از این اثر که به همراه مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر احد فرامرز قراملکی است، نقد و بررسی این کتاب با حضور چند تن از اساتید صورت گرفت.

در آغاز دکتر نجفقلی حبیبی ضمن تبریک به آقای قراملکی در ایجاد این اثر ارزشمند اشاره کرد که تصحیح کتب و نسخ خطی و نیز معرفی دانشمندان و آثار آنها دو راهکار برای حفظ تمدن و هویت ملی و اعتباربخشی به آن‌هاست. وی افزود: درست است که در دنیا غیر مسلمانان هم به امر تصحیح متون ما پرداخته‌اند، ولی از آن‌جا که ما خود به فرهنگ خویش اشراف داریم و به جهت حفظ اصالت مسئله ضرورت دارد که خودمان به تصحیح متون خود اقدام کنیم. وی سپس در بیان اهمیت این کتاب افزود: یکی از امتیازات ویژه این اثر نگارش آن به زبان فارسی است که نشان‌دهنده ظرفیت بالای زبان فارسی برای بیان نکته‌های علمی است. دانشیار گروه فلسفه حکمت اسلامی دانشگاه تهران در پایان گفت فصل آخر این کتاب تحت عنوان تعلیقات بخش مفید و ارزشمندی است. اما در ترجمه لغات باید به سند لغات اشاره می‌گردید که این نکته باید در چاپ‌های بعدی توجه شود.

در ادامه نشست آقای دکتر صدوقی سها اظهار داشت دکتر قراملکی از معدود کسانی دانستند که در عصر حاضر به نگاه تاریخی به منطق توجه دارند و در مقدمه این کتاب هم سخنانی از تاریخ‌نگاری تاریخ منطق به میان آورده‌اند وی در این باره، این اشکال را نیز طرح کردند قراملکی در این سیر تاریخ‌نگاری دفعاتاً به تاریخ قرن هفتم پرداخته است (صفحه بیست و دوم مقدمه)؛ در صورتی که باید چنین گفته می‌شد که: سده هفتم که اوج منطق‌نگاری‌های دو بخشی است، کتاب‌هایی در زمینه منطق پژوهشی و آموزش منطق یافت می‌شود. صدوقی سها در همان صفحه، در باره پارادوکس دروغگو یادآور شد که وی این پارادوکس را دارای سابقه یونانی دانسته نه اثری از منطق‌دانان

به عقیده مصحح کتاب - آن گونه که در مقدمه آمده است - انصاری شیوه‌ای از میان دو مشرب اصلی در منطق‌نگاری - یعنی نُه‌بخشی و دوبخشی - انتخاب نموده است و ترتیب کتاب خود را به طور آگاهانه نُه‌بخشی قرار داده است و نه دوبخشی. نامی که بر این مشرب نهاده‌اند، مشرب منطق‌نگاری تلفیقی است که در مقابل آن اختلاط دو مشرب اصلی به طور ناآگاهانه‌ایست که آن را نام، التقافی نهاده‌اند. مصحح کتاب با غوری که در متن تحفه کرده است، دلائل محکمی بر تلفیقی بودن روش مصنف آورده است؛ اما افسوس که در متن مقدمه سهواً اشتباهی رخ داده است به این صورت که ایشان هنگام طرح فرضیه به سوی روش التقاطی رفته است، اما هنگام اقامه دلیل جانب تلفیقی بودن مشرب منطق‌نگاری کتاب را می‌گیرند.

پس از این، مصحح جدولی جامع از ارجاعات مصنف ارائه می‌دهد که برای کسانی که قصد مراجعه به این کتاب برای فعالیت‌های پژوهشی دارند، کلیدی راه‌گشا خواهد بود. در انتهای مقدمه نیز، ایشان به صورت بسیار مختصر از نحوه تصحیح کتاب سخن می‌گویند که این خود حاکی از آن است که ایشان معتقد به اصالت قضاوت دیگران در مورد اثر خویش می‌باشند.



سده هشتم. وی همچنین اشاره دارد که می‌بایست در صفحه بیست و سوم از مقدمه، تصرفات شیخ اشراق بیان می‌گردید و همچنین از نظر او شبهه استلزام مطرح شده در این مقدمه شبهه واحدی نیست، بلکه تقریرات متعددی از آن یافت می‌شود.

دکتر صدوقی سه‌ها در پایان سخن خود ذکر این نکته را ضروری می‌داند که در این روند تاریخ‌نگاری اشاره‌ای به کتاب ارزشمند رهبر خرد نشده است و همچنین در برخی از جملات عربی این کتاب اشتباهاتی رخ داده است که باید تصحیح گردد و نیز نکاتی را در رابطه با مؤلف متذکر شدند که حائز اهمیت بود.

سپس آقای دکتر احد فرامرز قراملکی مصحح این اثر گفت: علم منطق به عنوان میراث یونانی به دست مسلمانان رسید و با اقبال و تلاش آنان توسعه فراوان یافت. منطق‌دانان در دوره اسلامی چهار نظام منطق‌نگاری ایجاد کردند: منطق‌نگاری نه‌بخشی، منطق‌نگاری دو‌بخشی، منطق‌نگاری التقاطی و منطق‌نگاری تلفیقی. در دو نظام نخست کتاب‌های زیادی نگاشته شده است، اما در منطق‌نگاری تلفیقی آثار کمتری کشف

متن تحفة السلاطین:

محتوای کتاب به خوبی از وقوف نویسنده آن به تاریخ منطق پرده برمی‌دارد. از جمله دلایلی که می‌توان بر صدق این سخن ارائه کرد، توجه نویسنده آن به آثار سلف است؛ که همان‌گونه که گفته شد مصحح جدولی از ارجاعات نویسنده در مقدمه به دست می‌دهد. عمده توجه مصنف به جناب حجة الحق بوعلی سینا و دو اثر بزرگ او، یعنی شفا و اشارات است.

ارجاعات و توجه وی به فخررازی، خواجه نصیرالدین طوسی، افضل‌الدین محمد خونجی و . . . مطالعه کتاب را دلکش می‌سازد. او در جای‌جای کتاب به تحلیل آرای گذشتگان می‌پردازد و حتی مواقعی هم برخلاف جمهور منطقیان افاضه نظر می‌کند.

مشرب منطق‌نگاری مصنف همان‌گونه که مصحح کتاب در مقدمه خویش به آن اشاره می‌کند، اختلاطی است آگاهانه میان مشرب نه‌بخشی و دوبخشی که تلفیقی نام دارد. مؤید این سخن همانا



کرده‌ایم. منطق‌نگاری تلفیقی، ترکیب منسجم و سازگار از دو نظام نه بخشی و دو بخشی است. تحفة السلاطین در چنین تلفیقی اثر قابل توجهی است. از طرف دیگر به دلیل اینکه به احیاء آثار فارسی در منطق، فلسفه و سایر شاخه‌های معرفتی کم همت کرده‌ایم، میراث بزرگ دوره اسلامی را عربی خوانده‌اند؛ کسانی چون نیکلای رشر. تحفة السلاطین در زبان فارسی دوره صفویه اثری کامل در منطق است. بر اساس دو حیثیت یاد شده تصحیح این اثر را در دستور کار خود قرار دادیم.

وی این کتاب را اثری ارزشمند در منطق تلفیقی برشمرد که مؤلف آن با آگاهی از تفاوت منطق دوبخشی و نه بخشی به تطبیق آن‌ها پرداخته و سعی می‌کند که به طور منسجم

سخن بگوید. او این ویژگی بارز در این اثر را یکی از دلایل

تصحیح این متن برمی‌شمارد و دلیل دیگر را این‌گونه مطرح می‌سازد که دنیا در حال دگرگون‌سازی آثار فارسی ما به آثار عربی است که بدین ترتیب وظیفه ما در تصحیح نسخ خطی سنگین‌تر می‌گردد.

وی در ادامه بیان کرد که علت عدم اشاره به کتاب رهبر خرد در این تاریخ‌نگاری این است که این کتاب در تعریف مرکز میراث مکتوب نمی‌گنجد و رهبر خرد ترجمه و تلخیصی از شرح مطالع است و افزون بر آن مطالبی ندارد.

استاد دانشگاه تهران ضمن تصدیق نکات بیان شده توسط دکتر صدوقی درباره زندگی انصاری گفت: تلاش او بر این اساس بوده که تا حد ممکن تاریخچه را به اجمال بیان کند و از تفصیل مطلب بپرهیزد.

وی در انتها در رابطه با شیخ اشراق گفت: شیخ اشراق جایگاه والایی در منطق داراست، اما من به علت عمر کوتاه شیخ براساس تاریخ تولد او و فخررازی تقدم را به فخررازی داده‌ام و از او نام برده‌ام و در ضمن، در زمان شیخ اشراق و فخررازی تنها قضیه حقیقه مطرح بوده است نه قضیه ثلاث. البته وی تمام این نوآوری‌ها را مرهون استاد مجدالدین جیلی می‌داند.

قراملکی در پایان گفت: امیدوارم خود به زودی نقد کاملی بر این اثر بنویسم و مواضع نقصان و خلل را در چاپ بعدی رفع کنم.

ترتیب طرح مباحث کتاب است که توجه هر اهل فنی را جلب می‌کند؛ بحث از مقولات در عین پذیرش بیان بوعلی، بحث از معرف نه در کتاب برهان بلکه به صورت ضمیمه مقولات، بحث از قضیه طبیعی و هم‌چنین طرح بحث هریک از صناعات خمس در بابتی مستقل، اما در عین ایجاز و . . . همه و همه مهر تأییدی است بر آن که مصنف به طور آگاهانه راهی را از میان برگزیده است. از دیگر ویژگی‌های کتاب نثر پارسی آسان‌یاب آن است که دست‌یابی هر فارسی‌زبانی را به فهم مطالب خود میسر می‌سازد.

شایان ذکر است که در مقدمه کتاب به این مطلب اشاره شده بود که این کتاب به قصد آموزش نوشته شده است؛ اما راقم این سطور بر آن است که فارق از غرض مصنف، کتاب دارای ظرفیتی فراتر از یک کتاب آموزش منطقی است. نظر به آرای گذشتگان، بیان موارد اختلاف آنان و تحلیل و بررسی‌های ارائه شده از آرای سلف به کتاب صبغه پژوهشی و حتی تفسیری می‌دهد. از سویی دیگر نظر به این که مصنف گاه موضعی متفاوت با تمام منطقیان در مسائل دارد، می‌بایست نظرات او را در تاریخ‌نگاری منطقی مورد توجه قرار داد. هرچند این کتاب با ارائه مطالبی بالاتر از حد متوسط و داشتن نثر فارسی آسان‌یاب همان‌گونه که اشاره شد، می‌تواند به عنوان متن، محور مجالس درس اساتید واقع شود، ولی نباید صبغه پژوهشی و ارزش آن را در فهم منظور منطقیان بزرگ فراموش کرد.

اقتضای کلام آن است که در انتهای این بخش، قدری نیز سخن از تصحیح کتاب برود. مصحح محترم اشاراتی کوتاه ولی جامع درمورد نحوه تصحیح کتاب در مقدمه خود آورده که در این جا قصد تکرار آنها را نداریم، بل آنچه که لازم به طرح است، تلاش ستودنی مصحح در دست‌یابی به همه دست‌نویس‌هاست؛ این امر باعث شده است که ایشان تمام اختلافات نسخ را احصاء و در ضمن پاورقی‌ها بیاورند. حاصل این تلاش پاورقی‌های مفصلی است که در اکثر صفحات متن به چشم می‌خورد، این خود نشان از امانت‌داری متعهدانه و اخلاق‌داری ایشان در امر تصحیح نسخ خطی است.

تعلیقات

آنچه باعث می‌شود، هر خواننده‌ای علاوه بر مطالعه متن کتاب، برای مطالعه تعلیقات حسابی جدا باز کند، همانا تعلق تعلیقات به یکی از ژرف‌اندیشان وادی منطقی است.

تعلیقات کتاب دارای جنبه‌های مختلفی است، گاهی تکمیلی و ترمیمی است و گاهی مناقشه با مصنف کتاب است و بعضاً هم مبین سابقه و لاحقۀ مباحث و مسائل مطروح در کتاب است.

تعلیقات از جهت جامعیت به استادی می‌ماند که مطالب کتاب را برای خواننده آن تبیین و تحلیل می‌کند. همان‌طور که گفته شد، تعلیقات کتاب به مباحث تاریخی نیز پرداخته است و برای خواننده این امکان را فراهم آورده است تا مطالب آن را در افق تاریخی و سیر تطور نظریات مختلف فهم کند. این دقیقاً همان چیزی است که علی‌رغم نیاز علاقه‌مندان منطقی در کتاب دیگر یافت نشود (رک: تعلیقه ش ۱۱۸).

آنچه که توجه را جلب می‌کند و می‌توان گفت نسبتاً امری است بدیع، توضیح مواضع منطقی جدید است در تعلیقات بر کتابی در منطقی قدیم (رک: تعلیقه ش ۱۲۴)

مصحح در تعلیقات کتاب عین عباراتی را که مصنف از آنها ملهم بوده، آورده است و گاه نیز پیرامون یک بحث اهم نظرات مختلف منطقی‌دانان مؤثر را با عبارات‌شان آورده و سپس بین آنها کرسی قضاء برپا نموده است (رک: تعلیقه ش ۲۴).